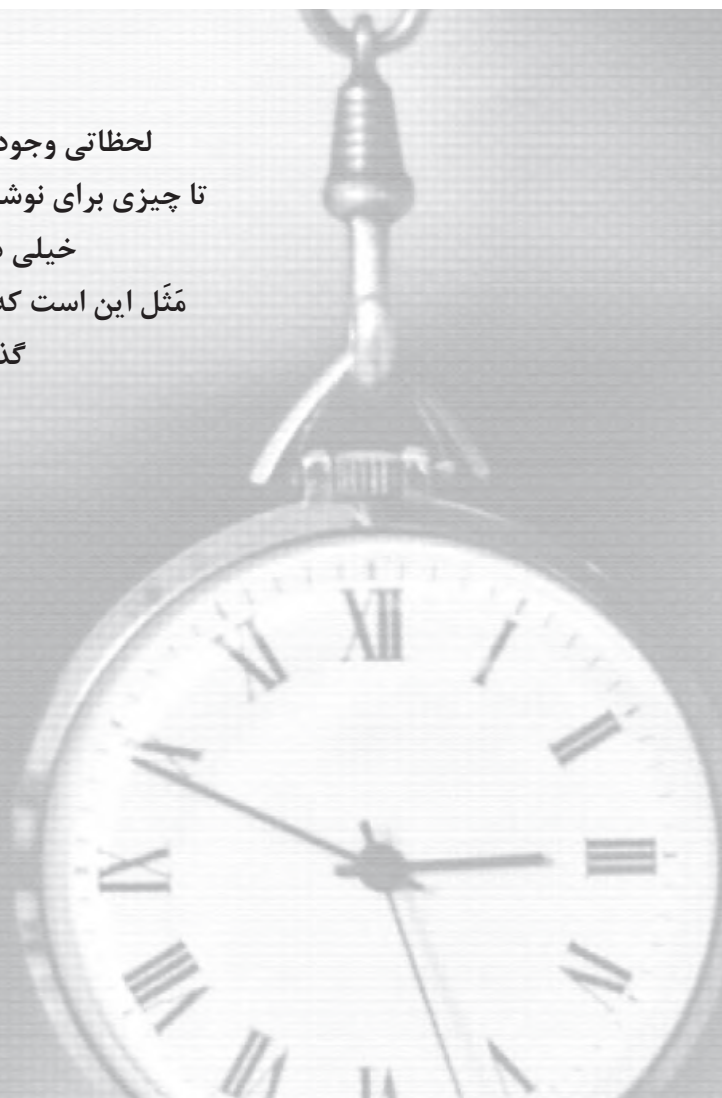


نوشته‌های ذهنی (۱) جانشین‌سازی

لحظاتی وجود دارد که می‌نشینیم
تا چیزی برای نوشتن پیدا کنیم. این لحظات
خیلی دردناک است،
مثل این است که یک شمع کف دستمان
گذاشته‌ایم.



نمایه درس پنجم

عنوان : نوشته‌های ذهنی (۱) جانشین‌سازی

محتوا : بهره‌گیری از روش جانشین‌سازی برای خلق نوشته‌های ذهنی

حکایت‌نگاری	هنجار نوشتار	کارگاه نوشتن	متن و تصویر
باز آفرینی و گسترش یکی از مَثَل‌ها به دلخواه	انسجام و یکپارچگی متن با توجه به دو نکته زیر صورت می‌پذیرد : ۱- ارتباط معنایی جمله‌ها. ۲- توجه به نشانه‌های انسجام زبانی	در فعالیت شماره یک خواهیم داشت : - تفکیک نوشته‌ها از نظر ذهنی و عینی - مشخص کردن نوشته‌ای که به شیوه جانشین‌سازی نوشته شده است. نوشتن موضوعی با استفاده از روش جانشین‌سازی ارزیابی نوشته‌ها براساس سنججه‌های درس	قرار دادن خود به جای موضوع یا پدیده‌ای دیگر و از نگاه آن پدیده یا موضوع نگریستن به جهان پیرامون. در این جانشینی باید عواطف، حس و حال، نوع نگرش، لحن کلام و شیوه بیان متناسب با موضوع باشد. مانند نوشتن درباره آفتاب از زبان یخ. به همین منظور پیش از نوشتن باید اطلاعات و شناخت کلی درباره چیستی، ویژگی‌ها و کارکرد موضوع به دست آورده شود.

اهداف درس

- آشنایی با نوشته‌های ذهنی؛
- تقویت نگارش متن‌هایی به کمک توانمندی‌های ذهن و خیال؛
- تقویت توانایی تشخیص نوشته‌های ذهنی و عینی؛
- تقویت توانمندی بهره‌گیری از روش جانشین‌سازی در نوشتن متن‌های ذهنی؛
- تقویت توانایی توجه به نکات نادیده و ناشکفته موضوع از طریق جانشین‌سازی؛
- ایجاد نگرش مثبت نسبت به امکان ایجاد ظرفیت‌های جدید برای نوشتن از طریق جانشین‌سازی؛
- آشنایی با انسجام معنایی و زبانی در متن.

روش تدریس

روش بدیعه‌پردازی: با توجه به عنوان درس (جانشین‌سازی) می‌توان برای تولید نوشته از روش «بدیعه‌پردازی» بهره جست. این روش بر بنیان پنج مرحله بنا نهاده می‌شود. یکی از مراحل آن جانشین‌سازی است.

روش بدیعه‌پردازی از روش‌های الگوی پردازش اطلاعات است. این الگو به وسیله «ویلیام گوردن» و دستیاران وی (۱۹۶۱) طراحی شده است. عنصر اصلی در این روش استفاده از مقوله «قیاس» است. به وسیله قیاس، موضوعی معمولی و آشنا با شیوه‌ای نو بررسی و بیان می‌گردد. برای نوشتن متنی درباره زمستان با بهره‌گیری از روش بدیعه‌پردازی به شیوه زیر عمل می‌کنیم:

مرحله نخست: توصیف شرایط حاضر یا موجود: در مرحله نخست دانش‌آموزان موضوع مورد نظر را توصیف می‌کنند. به همین منظور معلم دانش‌آموزان را ترغیب می‌کند تا شرایط یا موقعیت پدیده‌ای را آن‌چنان که دیده و حس کرده‌اند توصیف کنند، به گونه‌ای که تصویر کاملی از آن ارائه دهند.

- زمستان سرد و سپید است.
- آخرین فصل سال است.

- سه ماه دارد.
 - روزهای آن کوتاه و شب‌های بلند است.
 - بارش برف زمستانی طبیعت را زیبا می‌کند.
 - بارش باران زمستانی همه جا را پاک و تمیز می‌کند.
 - پایان زمستان به بهار منتهی می‌شود.
 - نام اولین شب زمستان یلداست.
- مرحله دوم : قیاس مستقیم : در این مرحله، معلّم از دانش‌آموزان می‌خواهد که دست به «قیاس مستقیم» بزنند. گاه معلّم مفهوم یا نمونه مورد قیاس را ارائه می‌دهد. گاه دانش‌آموزان خود آن را انتخاب می‌کنند. نمونه‌های زیر از سوی معلّم بیان شده است :
- زمستان مانند زنی است که گرد سپید پیری بر موهایش نشسته است.
 - زمستان همچون حلقه‌ای پاییز را به بهار وصل می‌کند.
 - نفس سرد زمستان همانند آه سردی طبیعت را منجمد می‌کند.
 - زمستان دانه‌های برف را، که همچون مرواریدهای صدف‌اند، به عنوان هدیه برای زمین می‌فرستد.
- مرحله سوم : قیاس شخصی (جانشین‌سازی) : در این مرحله معلّم از دانش‌آموزان می‌خواهد خودشان را به جای مفهوم مورد نظر قرار دهند و از زبان او سخن بگویند و احساساتش را بیان کنند.
- از اینکه با آمدن پرندگان نمی‌مانند و به جاهای گرم‌سیر کوچ می‌کنند، غمگینم.
 - وقتی سر و روی شهر را می‌شویم و همه جا پاک و تمیز می‌شود خوشحال می‌شوم.
 - لحظات زیبای ریزش دانه‌های سپید مروارید بر سر زمین مرا به وجد می‌آورد.
 - درختان با تکان دادن سرشاخه‌هایشان از من، به سبب اینکه لباس‌های سپیدی برایشان فرستاده‌ام، قدردانی می‌کنند.
 - دیدن خواب زمستانی حیوانات برایم کسالت بار است.
 - گاهی که خشمگین می‌شوم، با سر و صدا و هیاهو طوفان به راه می‌اندازم.
 - از گریه عاشقانه‌ام باران‌های سیل‌آسا، از گریه غمگینانه‌ام رگبار و از دل‌نگی‌هایم تگرگ حاصل می‌شود.

... ■

مرحله پنجم : تعارض فشرده (هماورد ناسازها) : در این مرحله معلّم از دانش‌آموزان

می‌خواهد بر اساس توصیف‌های ارائه شده در قیاس شخصی، مفاهیم متضاد را ارائه نمایند و سپس از میان این قیاس‌ها بهترین را انتخاب کنند.

■ ساکت و پرهیاهو

■ آرام و بی‌قرار

■ خشمگین و مهربان

مرحله ششم: بررسی مجدد تکلیف اولیه: در این مرحله فراگیران به مسئله یا تکلیف اولیه برمی‌گردند و درباره موضوع زمستان، نوشته‌ای خلق می‌کنند.

بالاخره زمستان از راه رسید، همراه کاروانی از ابرهای سفید و خاکستری. همان طور که روی یکی از ابرها لم داده بود، از بالا نگاهی به آخرین برگ‌های نارنجی باغ‌ها انداخت. دست‌های بزرگش را در کوله بارش برد تا ببیند ننه سرما چه چیزهایی را برایش توشه راه کرده است.

اول دستش به چند دست لباس سفید بلند، که برای کاج‌ها آماده شده بود، برخورد کرد. بعد هم چند گردن‌بند بلند مرارید نشان را دید که هر کدام از آنها می‌توانست یک شهر را از برف سفید پوش کند.

کوله بار را زیر و رو کرد. مثل همیشه ننه سرما کلی هدیه برای همه فرستاده بود. چیزهایی که هوا هو خان از آن سردر نمی‌آورد. او تنها فرزند ننه سرما بود و «هوا هو» نامی بود که ننه سرما برای او انتخاب کرده بود.

در کیسه را بست و آن را داخل یکی از ابرها بیچید و کنار گذاشت. هوا هو خسته شد، خمیازه‌ای کشید و شهر یر شد از نفس سرد او. ناگهان در گوشه‌ای از آسمان، فوجی از پرستوهای مهاجر را دید که یکباره دسته جمعی به سوی آسمان اوج گرفتند، انگار از دست او فرار می‌کردند. کودکان از سرما، بازی را رها کردند و به خانه‌ها پناه بردند. مردها پنجره‌ها را بستند و زن‌ها سراغ لباس‌های زمستانی رفتند. بخار سفیدی از دودکش خانه‌ها بلند شد.

هوا هو نگاهش به کوه‌ها افتاد. خرس قهوه‌ای سلانه سلانه و خواب آلود به سمت غار می‌رفت تا خواب زمستانی‌اش را با خیال راحت آغاز کند.

به پنجره‌هایی که یکی پس از دیگری بسته می‌شد نگاه کرد. چشمش به یک پنجره نیمه باز افتاد و جوانی را دید که با چشمانی غمگین به ابرها خیره شده بود و با خود شعری را زمزمه می‌کرد. هوا هو دیگر طاقت نیاورد و زد زیر گریه. از گریه عاشقانه اش بارانی در گرفت.

درنگی در قلمرو فعالیت‌ها

فعالیت ۳

فعالیت ۲

فعالیت ۱

کارگاه نوشتن

یادآوری: طبقه بندی نوشته‌ها در دو قلمرو عینی و ذهنی تقریباً نسبی است. معیار تعیین نوع نوشته (عینی، ذهنی) فضای حاکم بر نوشته است. مثلاً ممکن است نوشته‌ای با نگاه عینی آغاز شود اما با نگرش ذهنی، بسط و گسترش یابد. بنابراین شرط تعیین نوع و نام‌گذاری، توجه به فضای عمومی نوشته و غلبه آن نوع است.

نوشته اول: نوشته ذهنی

این متن را یک فرد بزرگسال نوشته است اما از زاویه دید یک کودک سخن گفته است. پس از جانشین‌سازی استفاده کرده و نوشته او تراوش ذهن اوست.

نوشته دوم: نوشته عینی بیان واقعیتی از سیر تاریخ ادبیات ایران

نوشته سوم: نوشته ذهنی

آگاهی‌های فرامتنی

هنجار نوشتار

«براون» و «یول»^۱ اصطلاح «متن» را، اصطلاحی تخصصی می‌دانند که برای نامیدن یک اثر زبانی در رویداد ارتباطی به کار می‌رود (براون و یول، ۱۹۸۳)؛ اما باید در نظر داشت که بدون پیوند و همبستگی میان اجزای کلام، متن تحقق نمی‌یابد. از این رو عواملی لازم است که اجزای کلام را پیوند دهد تا آن را یکپارچه سازد و ما بتوانیم آن را «متن» بنامیم.

«هلیدی» و «حسن»^۲ وجود روابط انسجامی میان جمله‌ها را معیار «ایجاد متن» می‌دانند و بیان می‌نمایند که روابط انسجامی «باقتار» متن را می‌آفرینند. به بیان دیگر، عاملی که متن را از غیرمتن متمایز می‌سازد، باقتار است و باقتار به وسیله ارتباط انسجامی تأمین می‌گردد. روابط انسجامی وقتی

وجود دارد که تعبیر برخی عناصر کلام وابسته به عناصر دیگر باشد (هلیدی و حسن، ۱۹۷۶). روابط انسجامی را می‌توان به دو دسته طبقه‌بندی کرد:

■ انسجام معنایی

■ انسجام زبانی

در این درس دو متن ارائه شده است: یکی فقط انسجام معنایی دارد و دیگری علاوه بر انسجام معنایی از ابزارهای صوری زبانی جهت انسجام بهره برده است. این ابزارها عبارت‌اند از:

ابتدا، سپس، اولین، و، اما، دومین

استفاده از ابزارهای زبانی سبب می‌شود خواننده پیام متن را بهتر درک کند. تجربه نشان داده است که دانش‌آموزان در کاربرد درست این ابزارها مشکل دارند. هدف از آموزش این هنجار به کارگیری صحیح این ابزارهای زبانی است. این ابزارها به ترتیب در درس‌های شش تا هشت معرفی می‌شوند.

مثل نویسی

در این درس به چند مثل اشاره می‌شود که می‌توان آنها را به روش‌های گوناگونی گسترش داد. برای شکستن ذهنیت‌های پیشین و ورود به عرصه‌های نوین، راهکارهای متعددی ابداع گردیده است که متداول‌ترین آنها تفکر موازی است.

واضع این شیوه (ادوارد دو بونو)، روش معمول تفکر را همانند حفر گودالی توصیف می‌کند که با افزایش اطلاعات فرد، گودال عمیق‌تر می‌شود، در نتیجه از دیدن جاهای دیگر برای حفر کردن باز می‌ماند. در حالی که تفکر موازی نگاه فرد را به نقاط جدید معطوف می‌سازد و اطلاعات و تجربه‌های جدید، صرفاً به اندیشه‌های قبلی افزوده نمی‌شود، بلکه آنها را تغییر می‌دهد و الگو و ساختار جدیدی را ایجاد می‌کند.

برای نمونه مَثَل «اگر با ماه نشینی ماه شوی، با دیگ نشینی سیاه شوی»، با بهره‌گیری از تفکر موازی بازآفرینی گردیده است :

ماه رویان و دیوخویان

در دوره‌ای به نام دورهٔ ماهانیان، در زمان‌های خیلی دور و در دهی بسیار دورتر مردمی می‌زیستند. روستای آنان از یک سو به کوهستان و از سوی دیگر به درّه‌ای مخوف مُشرف بود.

مردمی که در سمت کوهستان می‌زیستند به «ماه رویان» شهرت یافتند و گروهی که در سمت درّه خانه داشتند به دیگ خویان معروف شدند.

ماه رویان را از آن روی به این نام می‌خواندند که خُلق و خوی نیک و همچون ماه ایشان بر چهره‌هایشان مؤثر واقع گردیده بود و همگی خوش‌رو، خوش مشرب و خوش گفتار شده بودند و خلاصه آنچه خوبان همه دارند یکجا در آنان جمع شده بود.

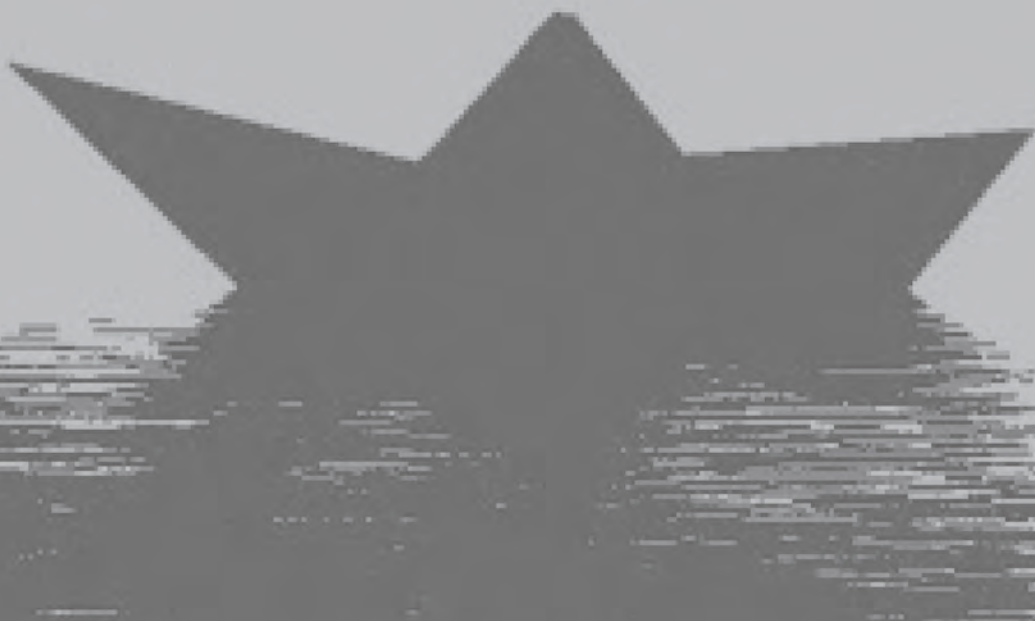
در سوی دیگر ده گروهی دیو سیرت و دیو سیما می‌زیستند. خلق و خوی آنان نیز در حدّ کمال بر سیمایشان اثر گذاشته بود. به این گروه «دیو روی» می‌گفتند. با گذشت زمان نام این گروه از «دیو روی» به «دیگ روی» مبدّل گشت.

وقتی مسافری قصد سفر به ده ایشان را داشت، به او نصیحت می‌کردند که اگر با ماه نشینی «ماه» شوی و اگر با دیگ نشینی «سیاه» شوی.

در این مَثَل، مراد از ماه، همان «ماه رویان» و مراد از دیگ، همانا «دیگ رویان» است.

نوشته‌های ذهنی (۲) سنجش و مقایسه

نویسندگی خلاق می‌تواند
به التیام لطمه‌های گذشته کمک کند و احساسات افراد را
به حالت عادی برگرداند، همچنین می‌تواند فشار روحی را کاهش، درد
را تسکین و روحیه را تغییر دهد.



نمایهٔ درس نهم

عنوان : نوشته‌های ذهنی (۲) سنجش و مقایسه

محتوا : بهره‌گیری از روش مقایسه به منظور خلق نوشته‌های ذهنی

شعرگردانی	هنجار نوشتار	کارگاه نوشتن	متن و تصویر
بازگردانی و بازپروری شعری از سعدی	آموزش نشانه‌هایی که با پیوند جملات موجب افزایش انسجام متن می‌گردند.	دریافت پدیده‌ها یا موضوعاتی که نویسنده برای خلق نوشته، آنان را با یکدیگر مقایسه کرده است. انتخاب موضوع و خلق نوشته با بهره‌گیری از روش سنجش و مقایسه ارزیابی نوشته‌ها بر اساس سنجه‌های درس	این درس به برقراری پیوند بین پدیده‌ها، کشف روابط بین آنها، درک شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها و درک روابط معنایی موضوعات براساس قیاس، اشاره دارد. در نوشتن عینی، دو پدیده را که در یک طبقه قرار دارند مقایسه می‌کنیم ولی برای ذهنی نوشتن می‌توان موضوعاتی را با یکدیگر مقایسه کرد که هیچ سنجشی با یکدیگر ندارند.



اهداف درس

- آشنایی با روش سنجش و مقایسه در نوشتن متن‌های ذهنی؛
- تقویت توانایی برقراری پیوند بین موضوع نوشته با موضوعات دیگر و کشف روابط بین آنها، به منظور نوشتن متن‌های ذهنی؛
- تقویت درک شباهت‌ها و تفاوت‌های میان موضوع نوشته با موضوعات دیگر؛
- جدّابیت بخشیدن به موضوع نوشته از طریق کشف روابط بین موضوعات بی‌ارتباط با یکدیگر؛
- درک اهمیت انسجام در نوشته‌های ذهنی؛
- آشنایی با نقش یکی از ابزارهای زبانی (نشانه ربط عطفی).

مهارت کشف روابط میان عناصر: شگرد کشف روابط میان عناصر، یکی از شیوه‌های ظاهر ساختن توانایی خلاقیت افراد به شمار می‌رود که توسط «چارلز - اس - وایتینگ» ابداع شده است. در این روش باید بین دو گروه از پدیده‌ها، که به ظاهر پیوندی با یکدیگر ندارند، رابطه ایجاد کرد. در این شگرد، اعضای گروه برای یافتن رابطه بین دو زمینه‌ای که با یکدیگر مانوس و مرتبط نیستند دست به تلاش فکری می‌زنند و در این راه به ایده‌ها و نظرات جدیدی می‌رسند.

در آغاز هدف از ایجاد ارتباط، برای اعضای گروه بیان می‌شود. به طور کلی می‌توان گفت فلسفه ایجاد این شگرد مبتنی بر نظریه ضبط اطلاعات زمینه‌ای در حافظه است. به این معنی که ساختار ذهن طوری است که اطلاعات به همراه زمینه یا اطلاعات محیط اطرافش در حافظه وارد و ضبط می‌گردد.

برای نمونه اگر شما اولین بار با فردی در حال شادی آشنا شده باشید، هر زمان به یاد او می‌افتید حالت شادی به شما دست خواهد داد. همچنین اگر تلاش کنید فهرست غذا را به خاطر بیاورید به همراه آن ممکن است چیزهایی مثل رستوران، آشپز، نوشیدنی، بشقاب یا اقلام شبیه آنها برایتان تداعی شود. اما هیچ‌گاه تراکتور یا اتو به یادتان نمی‌آید (مگر آنکه خاطره‌ای از فهرست غذا و تراکتور یا اتو داشته باشید). لذا این شگرد کمک می‌کند تا اطلاعات از زمینه‌های آن جدا شود و با یکدیگر ارتباط جدیدی را برقرار سازند. چه بسا در این رهگذر بتوان به ایده‌های تازه‌ای نیز دست یافت. در این شگرد دو یا چند موضوع کاملاً بی‌پیوند با یکدیگر را برمی‌گزینیم. سپس سعی می‌کنیم بین آنها نوعی ارتباط بیابیم.

برای انتخاب یک مفهوم یا کلمه تصادفی چند راه وجود دارد:

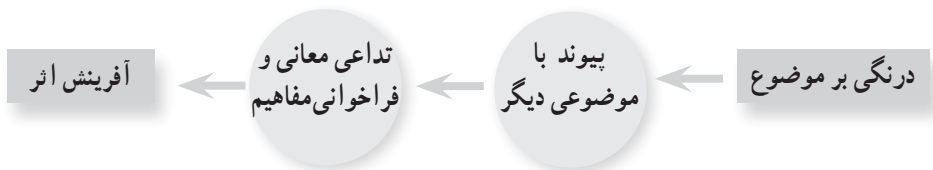
- ۱ یک صفحه از فرهنگ لغت را باز می‌کنیم و از درون آن کلمه‌ای را انتخاب می‌نماییم.
- ۲ از دوست خود یا از افراد خانواده درخواست می‌کنیم کلمه‌ای به ما معرفی کنند.
- ۳ از اشیای اطراف خود الهام می‌گیریم.

مثال: در این مثال روش کار را مرور می‌کنیم:

فرهنگ لغت را باز می‌کنیم. کلمه صندلی را می‌بینیم. بنابراین اولین کلمه «صندلی» است. این کار را تکرار می‌کنیم. این بار، کلمه «زمین» را می‌بینیم.

حال سعی می‌کنیم بین زمین و صندلی ارتباط برقرار کنیم و مفاهیم جدید بسازیم. لازم نیست ایده‌های خود را محدود به این دو واژه کنیم. نقش این دو فقط الهام بخشیدن است. حتی مهم نیست که ایده‌های ما عینی و عملی باشد یا ذهنی. هدف بهره‌گیری از این راهکار، آزاد کردن ذهن است. در درس ششم به این نکته اشاره شده است که برای نوشتن متن‌های ذهنی به روش سنجش و مقایسه از مرز حواس فراتر می‌رویم و در فضای ذهن آزادانه حرکت می‌کنیم. بنابراین می‌توانیم دو چیز را، که به ظاهر هیچ سنخیتی با یکدیگر ندارند، با هم مقایسه کنیم، از جمله مقایسه کتاب با انسان، درخت یا آسمان و نمونه‌های دیگری که در کتاب به آنها اشاره شده است.

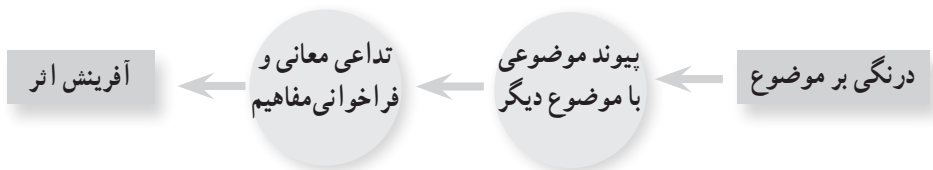
نمایه خلق نوشته بر پایه کشف روابط



اصل «تداعی معانی» در منطق به سه طریق صورت می‌گیرد: تشابه، تضاد و مجاورت. اگر این اصل به درستی تبیین شود کشف روابط میان عناصر برای دانش‌آموز با گستره بیشتری تحقق می‌یابد. تشابه، تضاد و مجاورت می‌توانند عینی باشند یا تخیلی.

هنگامی که برای نوشتن متن‌های ذهنی از پیوند زدن موضوعی با موضوعات دیگر بهره می‌بریم، موضوع دوم عمل درک و ارتباط یابی را آسان می‌کند و دربی آن، بار معنایی پنهان در موضوع (انرژی پنهان موضوع) آزاد می‌شود و شبکه‌ای از مفاهیم شکل می‌گیرد.

تسهیل‌گر



درنگی در قلمرو فعالیت‌ها

فعالیت ۳

فعالیت ۲

فعالیت ۱

کارگاه نوشتن (فعالیت نگارشی یکم)

در این فعالیت نویسنده در هر یک از بخش‌ها، پدیده‌های مختلفی را با هم مقایسه کرده است، از جمله:
نوشتۀ یکم:

جنگ و صلح	دشمنی و دوستی	دیو و رستم	گرگ و بره
زوزه گرگ و بع بع بره	دوستان و بیگانگان	عَلَم جنگ و بیرق صلح	... و

نوشتۀ دوم:

آدم و گرگ	آدم و موش	آدم و گوسفند	آدم و مرغ	... و
-----------	-----------	--------------	-----------	-------

آگاهی‌های فرامتنی

هنجارنوشتار: در این درس با اولین ابزار زبانی انسجام متن، یعنی نشانهٔ ربط عطفی که بسیار پربسامد است آشنا می‌شویم.

و، هم، نیز، به علاوه، ...

این نشانه، از ابزارهای زبانی انسجام متن و نقش آن همپایه کردن اطلاعات متن است. به بیان دیگر به کمک این نشانه‌ها مطلبی به مطلب قبلی متن اضافه می‌شود، مثال:

هوا سرد بود و باد نیز می‌وزید.

هوا سرد بود و باد نیز می‌وزید. صدای رعد و برق نیز حکایت از آن داشت که به زودی باران

می‌بارد.

نویسنده، ابتدا جملهٔ اول را می‌نویسد که پیامی دارد. سپس با استفاده از نشانهٔ ربط «و» پیام جمله دوم را به آن می‌افزاید. در ادامه، با استفاده از نشانهٔ «نیز» پیام دیگری را با مطلب قبل همپایه می‌کند.

سیر نوشته به این ترتیب پیش می‌رود و متن منسجمی تولید می‌شود.



درس هفتم

نوشته‌های ذهنی (۳) ناسازی معنایی یا تضاد معنایی



نمایه درس هفتم

عنوان : نوشته‌های ذهنی (۳) ناسازی معنایی یا تضاد معنایی

محتوا : بهره‌گیری از روش خوشه‌سازی در خلق نوشته

حکایت نگاری	هنجار نوشتار	کارگاه نوشتن	متن و تصویر
بازنویسی حکایتی از گلستان به زبان ساده	آشنایی بیشتر با نشانه‌های تقابلی که بهره‌گیری از آنها موجب انسجام می‌گردد.	استخراج موضوعاتی که در متن «درحوالی بساط شیطان»، تضاد معنایی دارند و رسم نمودار آن انتخاب موضوع و خلق نوشته‌ای با بهره‌گیری از تضاد معنایی ارزیابی نوشته براساس سنجش‌های درس	برای بهره‌گیری از روش خوشه‌سازی ابتدا موضوع در مرکز و هسته نمودار جای می‌گیرد و ضمن تفکر و تأمل درباره موضوع مفهومی متضاد با آن در کنار موضوع ثبت می‌گردد. به شیوه بارش مفاهیم، شاخه‌های اصلی هسته‌ها کامل می‌شود. مفاهیم به دست آمده دستمایه خلق نوشته‌ای با بهره‌گیری از تضاد معنایی است.

اهداف درس

- آشنایی با روش خوشه‌سازی؛
- تقویت توانایی ایجاد شبکه روابط بین مفاهیم؛
- توانایی خلق نوشتن با استفاده از روش تضاد معنایی؛
- درک اهمیت رعایت انسجام در نوشته؛
- آشنایی با نوشته‌های برجسته‌ای که به شیوه تضاد معنایی خلق شده‌اند؛
- ایجاد نگرش مثبت در بهره‌گیری از تضاد معنایی در نوشتن؛
- آشنایی با نقش یکی از ابزارهای زبانی (نشانه ربط تقابلی).



روش‌های تدریس

روش خوشه‌سازی: ذهن ما مثل یک انبار شلوغ و سازمان نیافته است و خوشه‌سازی دری است که به این انبار برای فرد باز می‌کند تا دست خالی برنگردد. خوشه‌سازی در واقع قالبی است برای استفاده از تفکر تصویری. آیا می‌توان تمام عمر منتظر ماند که الهام به درون ذهن راه یابد؟ شاید از خودمان پرسیم باید از کجا شروع کنیم؟ از چه بنویسیم؟ چگونه بنویسیم؟ با استفاده از خوشه‌سازی می‌توانیم آنچه را در ذهن داریم به روی کاغذ بیاوریم.

این روش به ما کمک می‌کند دری به انبار خاطرات، تجربیات، اطلاعات و احساسات سازمان نیافته ذهن باز کنیم. خوشه‌سازی برای نوشتن انواع متن‌های گوناگون (انشا، شعر، خاطره، داستان کوتاه، گزارش کار، ترانه و حتی رمان) کاربرد دارد.

مهم‌ترین نکته در استفاده از این روش، این است که پیش داوری نکنیم و اجازه دهیم خوشه‌سازی کمک رسان فرد شود.

گام یکم: برای نوشتن به روش خوشه‌سازی گام اول، انتخاب هسته است. یک کلمه یا عبارت را می‌توان مرکز ثقل و هسته خوشه در نظر گرفت.

گام دوم: بدون مکث و خودسانسوری، تمام عباراتی را که این هسته به یاد ما می‌آورد، از انبار ذهن خود بیرون می‌کشیم. منبع ما خاطرات، احساسات و تجربیات گذشته ماست. برای این کار، دور کلمه‌ها دایره می‌کشیم و دایره‌ها را با فلش‌هایی به هم وصل می‌کنیم. دلیل استفاده از دایره، طبیعی و پویا بودن مفهوم آن است. در نقاشی‌های کودکان نیز مفاهیم به کمک دایره نشان داده می‌شوند. مربع و مستطیل ساخته‌های دست بشری هستند. فلش نیز به دلیل ساختار خاصی که دارد، باعث جاری شدن تفکرات و ایده‌ها می‌شود. دایره‌های خالی که با فلش به هم مرتبط می‌شوند ذهن را تحریک می‌کنند.

گام سوم: در این مرحله هر یک از واژه‌های سرشاخه در جایگاه هسته قرار می‌گیرند. درحقیقت خوشه‌سازی، تندنویسی تفکر تصویری است.

برای این مرحله، دو تا پنج دقیقه کافی است. به محض اینکه احساسات حاصل از خوشه‌سازی، سرریز ذهنی شد، نوشتن را آغاز می‌کنیم.

گام چهارم

نوشتن خلاق: در پایان به منظور ویرایش نوشته نهایی، آن را با صدای بلند می‌خوانیم.

چند نکته:

* خوشه‌سازی نوعی تندنویسی تفکر تصویری همراه با انتخاب است؛ به هیچ وجه لزومی ندارد که از تمام خوشه‌ها در متن نهائی استفاده شود.

* خوشه‌سازی در واقع مثل ماهی گرفتن است؛ لازم نیست زیاد انتظار بکشیم، چون ماهی همیشه می‌آید. ما باید آماده گرفتنش باشیم. فکر نیز همین خاصیت را دارد.

* خوشه‌سازی با ایجاد هسته، مانند آهنربا مجموعه‌ای از عبارات و کلمات را از نیمکره راست مغز به سوی خود جذب می‌کند.

* کلمات و عباراتی که در خوشه‌سازی تجلی می‌یابند، گاهی موجب شگفت‌زدگی ما می‌شوند. علت این شگفت‌زدگی این است که تفکر مفهومی، ما را مجاب می‌کند که برای هر چیزی علتی منطقی بیابیم. پس متعجب می‌شویم، زیرا این کلمات و مفاهیم در حوزه دانسته‌های آگاهانه ما قرار ندارند.

به خاطر داشته باشیم:

در هنگام خوشه‌سازی سعی نکنیم تمرکز داشته باشیم. این اغتشاش ظاهری کلمات و عبارات به طور طبیعی الگو خواهد پذیرفت. بیشتر سعی کنیم در جریان خوشه‌سازی غرق شویم. در این وضعیت ما نقش کودکی را داریم که از هراتفاق جدیدی شگفت‌زده می‌شود. انگار ما نیز کودکی شده‌ایم و بازی با ایده‌ها را تجربه می‌کنیم. در طول خوشه‌سازی به دو تجربه و نتیجه بسیار مهم دست پیدا می‌کنیم:

امکان انتخاب

مرکز ثقل: این دو، از ظرفیت‌های بالقوه نوشتن است که با این روش فعالیت می‌یابند و آزاد می‌شوند. در حقیقت پذیرش خوشه‌سازی پذیرفتن یک فن مؤثر در نوشتن خلاق و پذیرش قدرت خلاق طبیعی کودکان (کودک درون) است. در حین این تجربه به این باور می‌رسیم که کم‌محتواترین کلمات هم تداعی‌های بسیاری دارند.

در حقیقت خوشه‌سازی، تندنویسی تفکر تصویری است.